

نگاه

حذف «عموم مردم» از نظارت بر فیش‌های حقوقی یا چه توجیهی؟

آیسان تنها

● مانندن یا حذف عبارت «عموم مردم» از ماده ۳۵ قانون برنامه ششم توسعه یکی از بحث‌های این روزهای مجلس است؛ درحالی‌که عده‌ای از نمایندگان می‌گویند دلیل ندارد اقوام و همسایگان از اعداد و ارقام فیش‌های حقوقی افراد جامعه باخبر شوند و به‌همین دلیل بهتر است نظارت عمومی جای خود را به نظارت دستگاه‌های نظارتی بدهد، عده‌ای دیگر می‌گویند اگر این شیوه جواب می‌داد، هرگز اتفاقات مربوط به فیش‌های حقوقی رخ نمی‌داد؛ پس بهتر است به نظارت مردم اعتماد کرده و راه گذشته خود را اصلاح کنیم. حدود ۹ ماه پیش بود که فیش حقوقی یکی از مدیران بیمه مرکزی در رسانه‌ها منتشر و روند انتشار سریالی فیش‌های حقوقی برخی مدیران عموماً دولتی از طرف برخی رسانه‌ها آغاز شد. مقایسه اعداد و ارقام این فیش‌ها با وضعیت دریافتی حداقلی بگیران جامعه واکنش‌های شدیدی را از سوی برخی افراد جامعه و رسانه‌ها به دنبال داشت و موجی از مطالبات عمومی را برانگیخت، مبنی بر اینکه باید نظام پرداخت در ایران که تشدیدکننده نابرابری در جامعه است، به‌سرعت اصلاح شده و سپس اهرم‌های قانونی و نظارتی کارآمد برای جلوگیری از به‌ترمتنشستن تحرک دوباره ذی‌نفعان برای سوءاستفاده‌های مجدد بسته شود.

نقص کار کجا بود؟

چند قانون با چندین استثنا. خیلی زود مشخص شد که قریب به اتفاق صاحبان فیش‌های حقوقی با ارقام و اعداد درخور توجه از نظر قانونی هیچ تخلفی مرتکب نشده و از اساس بنا بر قوانین کسی نمی‌تواند آنها را به دلیل دریافت مبالغ کلانی مؤاخذه کند که در قالب عناوین جالبی پرداخت شده بود، اعم از «کمک هزینه خرید کتاب برای فرزندان»، «کمک‌هزینه اوقات فراغت فرزندان»، «کمک‌هزینه پزشکی» و… که در فیش‌های حقوقی از آن با عنوان «حق» یاد شده است. قانون محدودیت اسامی کشوری اهمّ این قوانین مشکل‌ساز بود که در سال ۱۳۸۶ برای ساماندهی به وضعیت دریافتی‌های کارکنان تصویب و قرار بود به صورت آزمایشی اجرا شود؛ قانونی که گرچه ظاهراً سقف حقوقی مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی کشور را مشخص ساخت، هفت برابر حداقل دریافتی کارکنان آن دستگاه‌ها تعیین و برای میزان مجاز پرداخت پاداش نیز حدود تعیین کرده بود؛ ولی برای آن در ماده‌های متعدد این قانون از طرف دستگاه‌های مختلف روزه‌هایی تدارک دیده شده بود تا بسیاری از حدود مربوط به این قانون مستثا شوند.

راهکار چیست؟

از ابتدای مطرح شدن ماجرای فیش‌های حقوقی کارشناسان راهکارهای مشخصی را برای ساماندهی نظام پرداخت مطرح کردند. موموماً با این مخرج مشترک که باید قانون واحدی برای همه دستگاه‌های اجرایی کشور بی‌تیرصه و بی‌استثنا برقرار شود و به‌این‌ترتیب هیچ استثنایی پذیرفته نشود تا زمینه‌ای برای سوءاستفاده فراهم نشود. همچنین از دیگر موارد مهم نیز آن بود که نظام پرداخت باید به سمت ارزش‌گذاری متساغل و همچنین استفاده از مکانیسم‌ها و ابزارهای تشخیص کارایی افراد برای تعیین دستمزد آنها حرکت کند تا به‌این‌ترتیب نظام پرداخت به سمت عدالت و کارایی پیش برود. در بخش نظارت نیز مطالبه بسیاری از کارشناسان و رسانه‌ها این بود که مانند بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته دولت اقدام به راه‌اندازی سامانه‌ای کند که در آن دریافتی‌های همه حقوق‌بگیران از منابع عمومی کشور به صورت شفاف گزارش شود تا با نظارت عمومی امکان تخلف و تخطی از قانون و برخورداری از مزایای ویژه نامتعارف به حداقل برسد.

دولت با ماجرای فیش‌های حقوقی چه کرد؟

دولت وعده داده است که لایحه‌ای جامع و کارشناسی‌شده تقدیم مجلس کند که در آن وضعیت دریافتی‌ها را ساماندهی کرده و نظام پرداخت را مبتنی بر عدالت و کارایی برقرار کند. نکته دیگر که در بحث اصلاح وضعیت نظام پرداخت مطرح شده، شفافیت است که در این زمینه دولت می‌گوید لایحه‌ای با همین عنوان «شفافیت» را در دست دارد که به‌زودی تقدیم مجلس خواهد کرد. همچنین مجلس نیز موضوع به‌راه‌انداختن سامانه انتشار حقوق و دریافتی‌های مدیران را در جریان بررسی و تصویب لایحه برنامه ششم توسعه در مجلس شورای اسلامی به تصویب رساند.

بالین حال، برخی اخبار از مجلس به گوش می‌رسد، مبنی بر اینکه عده‌ای از نمایندگان به‌شدت به دنبال آن هستند که بخش «عموم مردم» را از این ماده حذف کنند و نظارت بر سلامت دریافتی‌های مدیران و کارکنان را بر نهادهای نظارتی واگذار کنند؛ اقدامی که البته با واکنش منفی برخی دیگر از نمایندگان مجلس روبه‌رو شده است. حالا باید منتظر ماند و دید که تحرکات نمایندگان مخالف، چه سمت‌وسویی می‌گیرد و چقدر خواهند توانست با توجیهاتی مانند «آشناندن همسایگان با دریافتی‌های افراد»، نمایندگان بیشتری را برای منع عموم مردم از نظارت بر دریافتی‌های کارکنان و دستگاه‌های اجرایی کشور با خود همراه کنند.

منبع: خبرنگار ایسنا

ادامه از صفحه اول

به دست آمد. گرایش به راست این گروه از مردم آمریکا را چطور تحلیل می‌کنید؟

فقر و زندگی در میان انواع تبعیض‌های اقتصادی، قومی، جنسیتی، نژادی و… هیچ دلیلی بر آگاهی نیست. نباید از چرخش به راست گروهی که درگیر حقوق اولیه و امکانات رفاهی است، شگفت‌زده شد. ترامپ نماینده جریانِ است که از دل شکست سیاست‌های نئولیبرالی برخاسته است. شکست نئولیبرالیسم خودش را در ظهور شکل تازه‌ای از فاشیسم نشان داده و اتفاقاً فاشیسم در شرایطی مانند امروز رخ می‌دهد که تضاده‌ها به اوج رسیده است. جامعه‌شناسی سیاسی هنوز درگیر پاسخ به این سؤال است که هیتلر چگونه در ۱۹۳۶ توانست ۳۷ درصد از آرای طبقه کارگر آلمان را به دست بیاورد. جواب به این پرسش تاریخی خواهد هرچه باشد، کلیدی است برای فهم مسئله امروز ما.

طبقه کارگر وقتی می‌تواند خواسته‌های متریقی خود را دنبال کند که مسائل روزمره‌اش را حل کرده باشد. مادامی‌که طبقه کارگر درگیر معیشت و تأمین سرپناه باشد، پتانسیل چرخش به راست را دارد. ایده دموکراسی خواهی و آزادی‌خواهی که محتوای سوسیالیسم است، بیولوژیک نیست که از یکی به دیگری انتقال پیدا کند، بلکه در رابطه مستقیم با آگاهی انسان‌هاست و آگاهی نیز به نوبه خود، در گرو وجود حداقل‌هاست. اگرچه این اتفاق در آمریکا خیلی‌ها را شگفت‌زده کرد، اما متأسفانه باید منتظر اتفاق‌های بدتری در کشورهای ثروتمند جهان باشیم. فقر یک مقوله به‌غایت نسبی است. کیفیت زندگی شاید در قرن گذشته بهبود یافته باشد و نه فقط ثروتمندان جهان که حتی فقرا نیز ثروتمندتر شده‌اند؛ ولی شکاف طبقاتی تعمیق پیدا کرده و نسبت این شکاف به‌نفع ثروتمندان تمام شده است. ثروتمندان خیلی بیشتر از فقرا از این پیشرفت‌ها سود بردند. در مقابل، فقرا در دنیای بهره‌مند امروز بیشتر احساس فقر و درماندگی می‌کنند و طبقه متوسط هر لحظه خود را در خطر سقوط به ورطه فقر می‌بیند. این روند به‌همین‌ترتیب طی شده است و امروز جای شگفتی نیست که در آمریکا، آلمان، فرانسه، انگلستان، بلژیک و حتی سوئد و نروژ، رنگ خطر ظهور نئوفاشیسم به صدا درآمده است. انتخاب ترامپ شورشِ ناکآهانه علیه بی‌عدالتی است و می‌توان گفت شورش فقرا علیه خود است. شبیه این اتفاق را در انتخاب احدی‌نژاد شاهد بودیم.

کجا معتقدید فاشیسم جدید از دل جریان نئولیبرال سر برآورد است؟

یکه‌تأزیر جریان نئولیبرال به تضاده‌ها دامن زد و با شکست این جریان، عرصه برای ظهور نئوفاشیسم مهیا شده است. فاشیسمی که اگرچه ریشه در مفاهیم قرن بیستمی خود دارد و خیلی وقت‌ها به اشتباه با آن مقایسه می‌شود؛ اما محتوای جدیدی پیدا کرده است.

فاشیسم قرن بیستمی نتیجه تحقیر شکست در جنگ جهانی بود و فاشیسم نو، برآمده از شکست سیاست‌های نئولیبرال. در نتیجه، این راست افراطی درست در کشورهایی سر برآورده که توسعه‌یافته‌اند و ثروت بسیاری دارند. جریان نئوفاشیسم زودتر از جریان نئولیبرال تأثیر خود را روی کشورهایمانند ایران خواهد گذاشت؛ چون این کشورها از کشورهای حاشیه‌ای ارتزاق می‌کنند؛ وگرنه به چنین ثروت‌هایی نمی‌رسیدند. متأسفم که این را می‌گویم؛ اما زمینه داخلی هم برای بهره‌برداری آنها مهیاست. در جایی که نئولیبرال‌ها وطنی می‌گویند منابع نفت و گاز ما اصل مال آنهاست، چون ما تکنولوژی بهره‌بردارِ از آن را نداریم، چالش‌های ما مقابل این جریان نوظهور مشخص است.

کشورهایی مانند ایران چگونه می‌توانند از آسیب‌های این تغییرات در امان بمانند؟

ما نه فقط برای تجهیز خود علیه جریان فاشیسم که برای توسعه و در پی آن برای به‌دست‌آوردن دموکراسی هیچ راهی جز راهی نادیده‌انختن چرخ تولید نداریم؛ وگرنه در وضعیت اقتصادی بد، ما هم باید منتظر ظهور دوباره جریان‌های راست در ایران باشیم؛ درست مانند آنچه در شش سال احمدی‌نژاد دیدیم که با شعارهای شبه‌چپ، این گردش به راست اتفاق افتاد.

ریشه‌دارترین صنایع ما در چه وضعیتی هستند؟ صد سال است تولیدکننده نفت و از بزرگ‌ترین صاحبان ذخایر نفت و گاز جهانیم و هنوز تولید و فروش این ثروت ملی ما به جایگاهی که باید نرسیده است؛ همچنان مواد خام می‌فروشیم و مواد فراوری‌شده را وارد می‌کنیم. ۵۰ سال صنعت خودروسازی داریم و دستاورد این صنعت هنوز تولید خودروهایی مانند پراید است.

اتفاقا سال‌هاست که از بالاترین سطوح قدرت بحث اقتصاد مولد و مقاومتی مطرح می‌شود، اما در نهایت می‌بینیم همه مناسبات سیاسی و اقتصادی به نفع اقتصاد تجاری و دلالی حرکت می‌کند. مانع تولید در ایران چیست؟

ما چرا روز زن داریم؟ چرا روز کارگر داریم؟ به هرچیزی که اجحاف می‌شود، برایش یک روز تعیین می‌کنند. وقتی مدام درباره اقتصاد مقاومتی و تولید ملی حرف می‌زنیم، یعنی فاقد آن هستیم.

اکثر شاغلان ما در نهایت به اقتصاد دلالی ختم می‌شود و به نظر می‌رسد برخلاف همه شعارها، دولت‌ها هم

اقتصاد

رحیم رحیم‌زاده‌اسکویی در گفت‌وگو با «شرق» هشدار داد

خطر گردش به راست با شعارهای شبه‌چپ



عکس: Gettyimages

همین را ترجیح می‌دهند، چون کنارآمدن با گروه واسطه راحت‌تر از کنارآمدن با تولیدکننده است. اگر دولت‌ها آن قدر از تقسیم قدرت نمی‌ترسیدند، عاقلانه همین بود؛ این منابعی که مدام به افراد و شرکت‌های خاص تزریق می‌شود، می‌رفت به سمت بخش خصوصی مولد ایران و همین شهرک‌های صنعتی را از این رکود درمی‌آورد. این رانت به بهانه تولید گرفته و در جای دیگری خرج می‌شود و علاج این مشکل را می‌دانیم، اما به سمتش حرکت نمی‌کنیم و بعد از فساد گله می‌کنیم. بدون رسانه‌های آزاد نمی‌توان با فساد و رانت مقابله کرد. هر کاری پیش‌فرض‌هایی دارد و پیش‌فرض پیشرفت و توسعه، دموکراسی است و تنها در این بستر می‌شود محصولات دانش‌نیان مسئله حل نمی‌شود.

ما در نهادهای رسمی اقتصادی هم دچار بحران هستیم. بگذارد یک مثال بزنم. سازمان برنامه و بودجه کارش در اسمش نهفته است. این سازمان در دولت مصدق در سال ۱۳۲۷ آغاز به کار کرده است. چند سال از آن زمان گذشته و ما هنوز درگیر این هستیم که این نهاد برنامه بدهد و بودجه تأمین کند، نه اینکه کار اجرایی

کند. هدف این بوده که با کمک این سازمان زمینه برای زیرساخت‌های تولید و توسعه فراهم شود. این سازمان سال‌هاست برای عمل دولت برنامه‌ریزی می‌کند و این با اساس کار سازمان مغایرت دارد. از این‌که بگذریم کشور ۸۰میلیونی ما یک وزارت اقتصاد ندارد. وزارت دارایی و اقتصاد باید از همدیگر جدا شوند. اینها بحث‌های بوروکراتیک است، اما وقتی می‌خواهی مسئله را ریشه‌یابی کنی مشکل را در همین موارد می‌بینی. نهادی که نباید اجرا کند، درگیر اجرا شده و نهادی که باید کار اجرایی کند، درگیر برنامه شده است.

کامعولا همه از کارشناسان تا مسئولان از کار ریشه‌ای صحبت می‌کنند، اما آیا تا حل ریشه‌ای مشکلات، وضعیت معیشتی مردم باید با این شرایط ادامه پیدا کند؟

پیش از اجرا، برنامه هدفمندی یارانه‌ها را برای اینکه نظرم را بنویسم، فرستادند. این برنامه از ادبیاتش مشخص بود که ازسوی یک اقتصاددان نوشته نشده است. چرا باید برنامه‌ای به بزرگی برنامه هدفمندسازی یارانه‌ها طوری نوشته شود که من اقتصاددان در سطر دوشم بفهمم کسی آن را نوشته که حتی کلدواژه‌های علم اقتصاد را نمی‌شناسد. مشکل این نیست که ما متخصص نداریم. بهترین کارشناسان اقتصادی کشور از قدیم تا امروز در اداره بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی نشسته‌اند. من به شما قول می‌دهم آن نیرویی که آنجا نشسته‌اند قادر به شناسایی و تقسیم‌بندی همه دهک‌های اقتصادی کشور هستند. در نهایت از طرح پرسمنله به این شکل اجرا شد و هنوز هم ادامه دارد. ۴۵ هزار تومان یارانه توهین به شعور و شرافت مردم است. باید خط فقر را در هر شهر محاسبه کنید و فرض کنید دستمزد کارگر را یک میلیون در نظر گرفته‌اید، بنابراین باید به آن شخص ۱/۵ میلیون یارانه بدهید که حداقل به خط فقر برسد، نه ۴۵ هزار تومان. اگر این طرح منبای اقتصاد داشت باید به چنین نتیجه‌ای می‌رسید، نه‌اینکه کارخانه‌دار هم از ترس اینکه تروئت لو برود، همپای فقیرترین کارگرش ۴۵ هزار تومان بگیرد.

بانک مرکزی خط فقر را اعلام می‌کند و همه شاعلان باید بالای این خط زندگی کنند. اینها قواعد اقتصاد است و شوخی نیست که خط فقر را اعلام کنی، بعد چانه‌زنی کنی برای اینکه حداقل حقوق را پایین نگه داری. وقتی بانک مرکزی خط فقر را اعلام

می‌کند باید به نسبت آن سیاست‌گذاری و حداقل دستمزد را تعیین کنید. تا به‌حال هیچ‌وقت نبوده که حداقل حقوق کارگران، نه بیشتر که حتی به اندازه خط فقر باشد. معنی این حرف این است که همیشه مزدبگیر فقیر بوده، دیگر حساب بی‌کاران جداست. بگذریم از اینکه طبق تعریف قانون، کسی بی‌کار است که هفته‌ای یک ساعت کار نمی‌کند. تعاریف را عوض می‌کنند انگار با آمار و اقتصاد شوخی دارند. همین توزیع یارانه اگر با اصول اقتصاد صورت گرفته بود می‌توانست زندگی شرافتمندانه گروه بزرگی را تضمین کند.

دولت دو برنامه برای خروج از رکود و کمک به افشار کم‌درآمد داشت؛ یکی کارت‌های اعتباری برای خرید کالای ایرانی و دیگری وام مسکن بود که به نظر می‌رسد هیچ‌یک نتوانستند به هدف برسند. دلیل این شکست چه بود؟

مگر در زمان آقای احمدی‌نژاد سهام عدالت توزیع نشده؟ مگر آن طرح با شکست قطعی مواجه نشده؟ مگر طرح‌های زودبازده و مسکن مهر را نداشتیم که همه‌شان شکست خوردند؟ برای این شکست خوردند که چنین طرح‌هایی راه حل نیستند. راه‌حل در تولید است و جز این نیست. اگر هدف تولید باشد، موانع خود را نشان می‌دهند و لاجرم حل هم می‌شوند. مثلاً تا اراده ملی برای تولید نباشد، مسئله قاچاق حل نمی‌شود. وقتی می‌توانید تولید را راه بیندازید که اول جلوی قاچاق را بگیرید. ۶۴ بندر وجود دارد که هیچ کنترلی روی آن ندارند. این حجم قاچاق که نمی‌تواند روی کول انسان وارد کشور شده باشد، صحبت از یک قاچاق سازماندهی‌شده است. خب اینها نمایندگان همان اقتصاد تجاری هستند که نمی‌گذارند تولید در کشور یا بگیرد.

ما بخش خصوصی استخوان‌داری در کشور داریم که هیچ‌کدام نقض شخصیتی قائل هستند و حاضر نیستند بدون قدرت مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها وارد میدان شوند. فعلاً دور، دور سرمایه‌دارانی است که از این آب گل‌آلود اقتصاد نهایت بهره را می‌برند.

گذشته از این مسائل داخلی، فکر می‌کنید دولت روحانی چه چالش‌هایی در عرصه سیاسی و اقتصادی با دولت آمریکا خواهد داشت؟

بعد از تمام این بحث‌ها باید نظر مثبتم را در حوزه روابط خارجی ایران اعلام کنم که بعد از اقدامات اخیر آمریکا در برجام، جمهوری اسلامی کار بسیار خوبی کرد که رفت به سمت چیزی که در خود برجام دیده شده بود؛ شکایت کرد و هفت کشور باید تصمیم بگیرند که نقض قرارداد صورت گرفته است یا نه. آنها منتظر یک حرکت اشتباه از سوی ایران هستند و این برخورد قانونی تاکتیک درستی بود. درکل من منتظر اتفاق خارق‌العاده‌ای در حوزه روابط دو کشور (دست‌کم در روابط اقتصادی) نیستم. کشورهای فرانسه، ایتالیا، آلمان، روسیه و چین قراردادهایی با ایران بسته‌اند که آنها دیگر نمی‌توانند این را برگردانند. آنها هم می‌دانند ایران خلاف تعهد‌ها عمل نکرده است. بنابراین اگر ترامپ بخواهد علیه ایران کاری انجام دهد، ایزوله خواهد شد. آن سازماندهی پیشین که به پشتوانه واکنش به کارهای احمدی‌نژاد بود دیگر پاشیده است و الان درست عکس آن است.

از سوی دیگر خیلی از حرف‌هایی که در انتخابات زده می‌شود برای انتخابات است. اگر بوبینک چراغ سبز از طرف دولت نداشت، وارد کار با ایران نمی‌شد. آنها ساختارهای مشخصی دارند که نمی‌گذارند با تغییر سیاست‌های یک رئیس‌جمهور همه‌چیز از بیخ و بن تغییر کند.

درکل من چالشی مهم‌تر از چالش‌های داخلی نمی‌بینم. در برخی حوزه‌های اجتماعی تغییرات، روال تاریخی خود را طی کرده و دولت چاره‌ای جز تطبیق خود با آن ندارد، در حوزه‌های دیگر این‌طور نیست. دولت ناگزیر به بازی‌دادن نیروی مؤثر است و مقاومت در برابر این خواست می‌تواند هزینه زیادی به کشور تحمیل کند.

بورس

سهام‌داران نگران وبازار کم‌رمق

علی نیکوگفتار

تحلیلگر بازارهای مالی

- این هفته نیز بازار سرمایه شروعی منفی داشت و شاخص کل با ۱۶۳ واحد کاهش به ۷۸ هزار و ۸۲۶ واحد رسید. شاخص کل هم‌وزن نیز با رنگ قرمز خود را نشان داد. کلیت بازار میلی به صعود نداشت و در این بازار کم‌رمق و کم‌حجم، طرف عرضه به‌مراتب قوی‌تر بود. باوجود شروع متعادل و مثبت بازار به لیدری گروه معدنی، اما افزایش عرضه‌ها از میانه روز که ترکیبی از نگرانی سهام‌داران، بی‌تحریکی حقوقی‌ها و البته تداوم بی‌مهری دولت بود، بازار را منفی کرد. تأثیر نامعلوم بازگشایی بانک‌ها بر بازار را هم می‌توان اضافه کرد به دلایل احتیاط سهام‌داران حقیقی خسته که هر افزایش اندکی را فرصتی برای خروج می‌بینند. پتروشیمی‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری در این گروه نیز روز خوبی را پشت‌سر نگذاشتند، اما در گروه خودرویی، نماد سایپا با بازگشایی منفی خود علاوه بر اینکه به‌همراه ایران خودرو بیشترین تأثیر منفی بر شاخص را بر جای گذاشت، دیگر نمادهای خودرویی را نیز تحت فشار قرار داد تا تقریباً تمامی آنها با کاهش قیمت پایانی مواجه شوند. بازگشت همراه با کاهش بیش از ۲۰ درصدی سایپا دیزل هم مزید بر علت شد. در گروه پراقبال سرب و روی، برخی نمادها مانند زنگان و فرزین با اقبال مواجه بودند و نمادهای کیمیا و فسرب نیز منفی معامله شدند. فولاد خورستان و پتروشیمی جمن نیز با معاملات بلوکی بخشی از کاهش شاخص را تجربه کردند. به نظر می‌رسد صحبت درباره حمایت از بازار به‌جای حمایت از شاخص و ارزش معاملات روزانه‌ای که همین حجم کم نیز عمده‌ا اوراق بدهی، صندوق‌ها و معاملات بلوکی است و بسیاری مسائل دیگر به‌واقع تکراری و روزمره شده است. اعداد و ارقام موجود در تابلوی بورس نیز چندان نمایش واقعی‌ای از وضعیت بازار را ارائه نمی‌دهند. همین امر باعث شده توجه دیرهنگام مسئولان به سهام‌داران حقیقی و به‌اصطلاح کف بازار که در قالب نشستی در هفته گذشته انجام شد، نتنها در عمل تأثیر کوتاه‌مدتی نداشته باشد، بلکه روز گذشته شاهد تجمع اعتراضی سهام‌داران جنب پل حافظ بودیم که منجر به بسته‌شدن درهای تالار در قافای پایانی بازار شد. نحوه توقف و بازگشایی نمادها، حبس نقدینگی و عدم روند طبیعی شاخص و حجم معاملات در بازار از جمله اعتراضات نسبت به متولیان امر بود. البته نباید از حق گذشت که رئیس سازمان، فردی معتبر و نام‌آشنا برای اهالی بازار است و به‌طورحتم با نیت خیر وارد عمل شده و ضمن پذیرش انتقادات، برنامه‌هایی برای اعمال اصلاحات در بازار دارد که می‌توان به اثرات مثبت آن در میان‌مدت‌خوش‌بود، ولی شرایط کلی اقتصاد و تکنگاهای موجود راه را دشوار کرده و بازار سرمایه کشور به‌عنوان دماسنج اقتصادی مسیر برجشالی را پیش‌رو دارد.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۷۸۸۲۶۵	۱۶۳۸۳-
شاخص قیمت (موزن)	۲۷۷۳۳۸	۵۷،۶۱-
شاخص کل (موزن)	۱۵۳۶۵۸	۵۵،۵۰-
شاخص قیمت (موزن)	۱۲۲۲۱،۲	۴۳۲۷-۰
آزاد شناور	۸۶۴۹۲	۲۱۹،۲۹-
۵۰ شرکت بزرگ	۳۱۱۷،۶	۷،۷۰-
ارز	قیمت (تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۹۵۱	۱۵+
یورو	۴۲۷۱	۱۱+
پوند	۴۸۹۰	۱۰+
درهم	۱۱۰۵	۲+

طلا و سکه	قیمت	تغییر
طرح قدیم	۱۰۱۵۰،۰۰۰	۱۰۰۰۰+
طرح جدید	۱۰۱۹۱،۲۰۰	۱۷۲۰۰+
نیم	۶۰۷۰،۰۰۰	۱۰۰۰-
ربع	۳۲۲،۰۰۰	۱۰۰۰-
گرمی	۲۰۵۰،۰۰۰	۱۰۰۰-
گرم ۱۸ عیار	۱۱۴،۴۴۰	۳۴۶+
اونس (دلار)	۱۱۷۳،۲	۶،۱+

خبر

تکذیب وضعیت اضطراری هواپیمای قزاقستانی در آسمان ایران

● **ایرنا،** سعید اکبری، معاون عملیات هوانوردی شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران گفت: بررسی سوابق راداری و نوارهای مکالمه مرکز کنترل ترافیک هوایی نشان می‌دهد اعلام وضعیت اضطراری هواپیمای قزاقستانی در آسمان ایران صحت ندارد. وی گفت: اطلاعات اشتباهی به فرمانده پادفند هوایی منتقل شده و اعلام وضعیت اضطراری هواپیمای قزاقستانی در آسمان ایران اصلا صحت ندارد. اکبری افزود: بدون هیچ وقفه و هر لحظه در مرکز کنترل ترافیک هوایی کشور ۳۰ تا ۲۵ نفر مشغول کار هستند و اگر چنین اتفاقی در آسمان ایران برای هواپیمای قزاقستانی افتاده باشد، معنی آن این است که همه کارکنان کنترل (کنترلی) ما در این مرکز خواب بودند.